

واکاوی ترجمه و مفهوم واژه‌ی «إصطفاء»

با رویکرد معنای مشترک و درجات معنا

- ۱ ندا خدانشناس فیروزآبادی
۲ الهه عرب زاده
۳ محمد حسن رستمی

چکیده

در معادل‌سازی واژه‌های قرآنی، مراجعه به قاموس‌ها و کتب وجوه معنا گاهی مخاطب را از مفهوم اصلی واژه دور می‌سازد. از سوی دیگر، ارجاع ترجمه‌ی واژه، به واژه‌های مجاور یا مترادف، این مسئله را شدت می‌بخشد. واژه‌های «إجتباء»، «إصطفاء»، «إختیار»، «إصطناع» و «إتخاذ» از این قسم هستند که به دلیل نزدیک بودن دایره‌ی معنایی غالباً یکسان ترجمه می‌شوند، در حالی که می‌دانیم، هر واژه دارای بار معنایی مخصوص به خود می‌باشد. این نوشتار، تلاش می‌کند با استفاده از کاربرد آیات و تفاسیر، به مفهوم اصطفاء و از آنجا به ترجمه‌ی مناسبی برای این واژه دست یابد، به گونه‌ای که، در همه‌ی کاربردها صدق کند و در خور شأن آیات باشد و در عین حال، مرز آن با واژه‌های نزدیک مشخص باشد. برای دست‌یابی به این منظور، ابتدا آراء متفاهمین در معنا و تفسیر «إصطفاء» نقل شده و آنگاه به تنزیه معنای آن پرداخته شده است. در ادامه سیر «مصطفوین» در گذر زمان و درجات معنای «إصطفاء» آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: إصطفاء، مصطفوین، ترجمه، فقه اللغة، تنزیه معنا

۱- طرح مسئله

برای معادل‌سازی و معنایابی واژه‌های قرآن گاهی مراجعه به معنای قاموسی و یا کتب وجوه و نظائر کافی به نظر نمی‌رسد و چه بسا مخاطب را از فهم عمق معنا بازدارد. این پدیده در ابتدا از سوی مفسر و یا لغت‌شناس عرب‌زبان وارد تفسیر قرآن شده و به دنبال آن مترجم فارسی‌زبان آن را تشدید می‌نماید. به عنوان مثال، مفسر عرب‌زبان بدون دقت در مرزبندی‌های مفهومی، در تفسیر واژه‌ی «إصطفاء» معادل آن یعنی «إجتباء» را قرار می‌دهد و مترجم فارسی‌زبان هر دو را «برگزیده شدن» ترجمه می‌نماید. واژه‌هایی که به این ترتیب ترجمه شده‌اند، بسیارند. از این رو نیاز است تا برخی ترجمه‌ها مورد بازنگری قرار گیرند. این نوشتار تلاشی است در راستای ترجمه‌یابی واژه‌ی «إصطفاء» مبتنی بر کاربردهای آیات و روایات.

۱-۱- إصطفاء

«إصطفاء» یکی از واژه‌هایی است که با واژه‌هایی مانند «إجتباء»، «إختیار»، «إصطناع» و «إتخاذ» مترادف ترجمه شده است، لیکن نمی‌توان این واژه‌ها را معادل هم قلمداد نمود و اصولاً به همین دلیل، می‌توان نتیجه گرفت که این واژه‌ها، هر کدام معنایی جداگانه دارند. نزد دانشمندان «إصطفاء» از ریشه‌ی «صفو» گرفته شده و به معنای صاف و زلال چیزی را گرفتن و تصفیه کردن است. در حالی که «إجتباء» به معنای کشیدن و عصاره چیزی را گرفتن می‌باشد. «إختیار» نیز از ماده‌ی «خیر» اخذ شده و به معنای چیزی را به عنوان خیر برگزیدن است. قابل ذکر است، اگر این واژه‌ها به یک معنا بودند، خداوند متعال برای انتقال مفهوم، از چند واژه استفاده نمی‌فرمود. لذا لازم است تا در ترجمه‌گذاری واژه، معنایی قرار دهیم که مرز میان واژه‌های هم‌نشین مشخص باشد. به عنوان مثال برای ترجمه إصطفاء نمی‌توان به سادگی ترجمه‌ای معادل واژه‌های «إختیار یا إجتباء» قرار داد و به سادگی از کنار آن گذشت. بلکه در ترجمه‌یابی واژه‌های قرآنی توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱ - دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد پردیس بین‌الملل.

۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

۳ - استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

- ۱- تفاوت آن با واژه‌هایی که در دایره‌ی نزدیکی با واژه قرار دارند مشخص باشد.
- ۲- در تمام آیات منطقی باشد.
- ۳- در شأن آیه و کلمه‌ی مورد نظر باشد.

اصطفاء عموماً در فارسی به «برگزیدن» ترجمه می‌شود اما، در ترجمه‌های قرآن کریم قریب پانزده معنا برای آن گفته‌اند. به همین دلیل برخی محققین تلاش می‌کنند تا رابطه‌ای میان کاربردهای این واژه در آیات و ترجمه‌ی فعلی آن پیدا کنند. در بررسی مفهوم «إصطفاء» غالباً به مقدمات رسیدن به این مقام پرداخته شده است. به عنوان مثال یکی از محققین به بررسی ملاک‌های «إصطفاء» پرداخته و ایمان، اخلاص، قنوت، عبودیت، شکر و حنفیت را از ملاک‌های گزینش خداوند برمی‌شمارد و معتقد است: " مبانی دیگر چون شعاع‌هایی از نور از ملاک‌های دیگر سرچشمه می‌گیرند." (سلطانی و لاشجردی: ۱۳۸۳)^۱ یکی دیگر از محققان با استفاده از دانش معناشناسی جدید سعی دارد به مفهوم «إصطفاء» و به طور خاصه در مورد حضرت ابراهیم(ع) دست یابد.^۲

۱-۲- اهمیت فقه اللغه

دست‌یابی به معنای واژه‌های قرآن از دیر باز توجه دانشمندان علوم گوناگون را به خود معطوف ساخته است. کتاب «مسائل ابن ازرق» نمونه‌ای از این تلاشهاست. در این کتاب معنای برخی مفردات قرآن از قول ابن عباس نقل شده است. شکل‌گیری

۱ - بررسی مفهوم و ملاک‌های اصطفاء در قرآن، سلطانی و لاشجردی، هنگامه، وی نتیجه می‌گیرد: " در قرآن‌کریم، نام برگزیدگان گاه به روشنی و گاه در لفافه و غیر آشکار آمده است. مصداق بارز دسته‌ی دوم، آل‌محمد(ص) می‌باشند، که جامع صفات نیک و لایق اصطفاء از سوی خدای تعالی بوده‌اند."

۲ - این محقق می‌نویسد: " در پس دو نگاه جزءنگر و کل‌نگر با نظر به مفهوم کانونی «اصطفاء» به بررسی روابط بینامتنی همچون سیاق و همنشینی و دیگر مؤلفه‌های معنایی مؤثر در داستان ابراهیم(ع) پرداخته و در نهایت ابتلاء ابراهیم(ع) را نتیجه حب و مقام إصطفاء وی معرفی می‌کند. (معناشناسی اصطفاء و برگزیدگی ابراهیم(ع) در قرآن‌کریم، مهدی مطیع، محمدرضاحاجی اسماعیلی، زهراکریمی) او اصطفاء را با واژه‌های اجتناب، اختیار، ارتضاء، اخلاص مرادف می‌داند و به بررسی ارتباط میان کلمات و اسلام و وصیت و امام(ع) وارد می‌شود و ثمره‌ی اصطفاء را خلت و صالح شدن معرفی می‌کند.

شاخه‌های واژگان‌شناسی^۱ - فقه اللغه - در قالب علومى چون غریب‌القرآن، معانی‌القرآن، لغات قرآن، علم قرائت، وجوه و نظائر قرآن، متشابهات قرآن و مشکل‌القرآن، نشان‌دهنده‌ی اهمیت معناشناسی واژه‌ها یا فقه‌اللغه است.^۲ کتاب «المعجم فى فقه اللغه القرآن و سرّ بلاغته» مجموعه‌ای ارزشمند در همین راستا است که در حکم دایره‌المعارف واژگان قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ (واعظزاده خراسانی، ۱۷۶۴) دامنه‌ی فهم مفردات قرآن به تفاسیر هم کشیده شده تا آنجا که برخی از کتب به صورت استطرادی به معنای لغات قرآن کریم پرداخته‌اند.^۴ در تفسیر بیانی قرآن‌کریم، این تلاش شکل نظریه به خود گرفت به طوری که، پیدا کردن معنای واژه‌ها از درون خود قرآن کم‌کم شکل جدی‌تری به خود گرفت (بنت الشاطی، ۱۳۷۶).

۲- نگاهی به آراء متقدمان در معنای «إصطفاء»

۲-۱- معنای قاموسی

واژه «إصطفاء» و مشتقات آن پانزده بار در قرآن آمده است. زبیدی در تاج العروس اشاره می‌کند که عبارت «إِصْطِفَاءُ اللَّهِ عَبْدَهُ» گاه به معنای آن است که خداوند متعال آن چیز را بری از ناخالصی موجود در دیگران خلق کرده و گاه به معنای آن است که او را برگزیده و به او حکم و فرمانروایی داده است [قد یكونُ بإيجادِهِ إِيَّاهُ صَافِيًا عَنِ الشُّوبِ الْمَوْجُودِ فِي غَيْرِهِ، وَ قَدْ يَكُونُ بِاخْتِيَارِهِ وَ حَكْمِهِ؛] (زبیدی، ۶۰۱/۱۹)

1 - etymologie

۲ - برای آشنایی بیشتر به نقش مفردات رجوع کنید به: درآمدی بر تفسیر واژه‌های قرآن ابالفصل شکوری، مجله نامه مفید - زمستان ۱۳۷۴ - شماره ۴ ؛ نگاهی به مبانی فهم مفردات قرآن و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، قرآن‌شناخت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ش ۳.

۳ - برای آشنایی با این کتاب مراجعه کنید به: المعجم فى فقه اللغة القرآن و سر بلاغته، محمد واعظزاده خراسانی.

۴ - به عنوان مثال در تفسیر مجمع البیان، طبرسی پیش از تفسیر به معنای لغت پرداخته شده است.

واعظزاده نیز در فقه اللغة به همان معنایی که زبیدی بیان کرده است اشاره می‌کند و به دنبال آن اضافه می‌کند که اصطفی گاه به معنای آن است که خداوند او را برگزیده و به او حکم و فرمانروایی داده است حتی اگر خود فرد نیز از ابتدا عاری از این ویژگی نبوده باشد (یعنی: ممکن است که خود فرد از ابتدا حاکم یا فرمانروا باشد ولی خداوند هم او را برگزیند) [قدیکون بإيجادہ تعالی إیّاه صافیاً عن الشّوب الموجود فی غیره، و قدیکون باختیاره و بحکمه و إن لم یتعرّ ذلك من الأوّل]، و اصْطَفَيْتُ كَذَا عَلِي كَذَا، أَيْ: اخترت و در عبارت اصْطَفَيْتُ كَذَا عَلِي كَذَا اصطفی به معنای برگزیدن است. واژه‌های الصَّنِيَّةُ و الصَّيِّئَةُ: به معنای چیزی است که رئیس برای خود برمی‌گزیند ما يَصْطَفِيهِ الرَّئِيسُ لِنَفْسِهِ. و مصدر «إصطفاء» نیز به معنای برگزیدن خالص شیء است؛ چنان‌که اختیار، انتخاب خیر و خوب آن است و این با دیدگاهی که معتقد است مراد از «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَاهُمْ مِنْ عِبَادِنَا» همه‌ی امت اسلام می‌باشند که وارث قرآن‌اند در تناقض است چرا که کلمه‌ی «إصطفاء» در قرآن دلالت بر برگزیدگی دارد. (واعظزاده، ۴۸۸) راغب می‌گوید؛ اصل «صَفَوُ» خلوص شیء است از آمیختگی و از آن رو است که به سنگ صاف و خالص «صفا» گویند. (راغب، ۲۸۶) طبرسی نقل می‌کند: صفا به سنگی می‌گویند که چیزی از گل و خاک به آن آلوده نیست. و شاهد آن نیز در آیه‌ی «وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» (محمد، ۱۵) است.

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است که: "«إصطفاء» به معنای برگزیدن است و إصطفاء، اجتناب و اختیار نظیر هستند. إصطفاء از باب افتعال و مشتق از «صفوة» است و «إصطفاء» بهترین مثال بیانی است که می‌توان چیز معلوم و آشکار پیش چشم را، بدان مثال زد و بیان نمود و مجسم ساخت. زیرا صافیه آب یا هر چیزی است که کاملاً پاک و خالص از هر کدورت و تیرگی باشد." (طبرسی، ۱۲۵/۲)

قرشی عنوان می‌نماید که ضرورت ندارد «إصطفاء» حتماً از میان مردم باشد. (قرشی، ۴۹/۱) و قاموس می‌نویسد: إصطفاء به معنای خالص کردن و نیز اختیار و اختصاص است. (قرشی، ۱۳۶/۴)

۲-۲- دو تفسیر واژه‌ی «إصطفاء»

الف) علامه طباطبائی در مورد آیه «وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا» می‌نویسد: "کلمه «إصطفاء» به معنای «گرفتن چکیده» و «خالص هر چیز» است" و آن را به گونه‌ای مرتبط با ولایت می‌داند؛ "به طوری که بعد از اختلاط آن با چیزهای دیگر، از آنها جدا شود و این کلمه وقتی با مقامات ولایت ملاحظه شود، منطبق بر خلوص عبودیت می‌شود. خلاصه إصطفاء این است که، بنده، در تمامی شئونش به مقتضای مملوکیتش و عبودیتش رفتار کند، یعنی برای پروردگارش تسلیم صرف باشد." (همو) در اینجا بار معنایی «إصطفاء» بر دوش «ولایت» و از آنجا به «عبودیت» و «دین و تسلیم» انداخته می‌شود، بی‌آنکه در معنای هر یک از این واژه‌ها به نتیجه‌ای قابل قبول برسیم؛ "این معنا با همان عمل به دین در جمیع شئون تحقق می‌یابد، برای اینکه دین چیز دیگری نیست، همان مواد عبودیت در امور دنیا و آخرت است، دین نیز می‌گوید: بنده باید در تمامی امورش تسلیم رضای خدا باشد، هم‌چنان که در آیه: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» نیز دین را همان تسلیم خداشدن معرفی کرده است" (طباطبائی، ۳۰۰). ایشان در نهایت إصطفاء را مقامی معادل برگزیدگی و همان مقام اسلام و تسلیم می‌داند.

این نوع معادل‌یابی برای واژه‌ها ما را با حجم کثیری از معانی مواجه می‌کند که حقیقتاً هر کدام مفهومی عظیم و عمیق دارند. لذا ضرورت معنایابی به گونه‌ای که مرزهای آن با مفاهیم مرتبط مشخص باشد، احساس می‌شود.

ب) مرحوم طالقانی «إصطفاء» را چنین معنا نموده‌است: "إصطفاء موجب برتری و گزیدگی و صفا و بقاء و روشنی می‌شود، چنان‌که ابراهیم را جواذب و عوامل حق از میان قوای نفسانی پست و دنیای عمومی برتر آورد و مصفّی ساخت، و شخصیت گزیده‌ی وی را تحقق بخشید." و در ادامه می‌نویسد: "و لقد إصطفینا - در سوره بقره - اشاره به تحقق یافتن حقیقت

إِصْطَفَاء دارد. نسبت «إِصْطَفَاء» به جمع متکلم، و آهنگ زیرهای متوالی و لقد اصطفیناه، بالا آمدن و گزیده شدن ابراهیم را با امداد نیروهای الهی می‌نمایاند.^۱ در این تعریف هم نمی‌توان تفاوتی میان معنای إجتباء و إصطفاء قائل شد. (همو، ۳۱۳)

ایشان همچنین صالحیت را نیز به دامنه‌ی معنایی «إِصْطَفَاء» افزوده و تا آخرت می‌کشاند: "در آن عالم و جایگاه‌هایی که برای بیشتر مردم درک‌شدنی نیست، کلمه جامع آن همین است: «وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» آن‌گاه قرآن توجه ما را به مبدأ و منشأ این گزیدگی و مصفّی شدن «اصْطَفَيْنَاهُ» در دنیا و آن شایستگی در آخرت برمی‌گرداند." (همو)

این روش ترجمه‌یابی واژه‌ها نوعی تفسیر بیانی است که مدام مخاطب را میان دریایی از واژه‌های مرتبط، سرگردان می‌سازد و مانند این است که از باب یک واژه وارد فضای مفهومی آن می‌شویم و هنوز به معنای آن نرسیده، درب معنای واژه‌ی بزرگتری به‌رویمان گشوده می‌شود. به‌این ترتیب، به فضاهای تودرتوی معانی وارد شده و هرگز به درستی ارتباط آنها را نخواهیم یافت، هرچند باهم ارتباط داشته باشند، اما، این رابطه هیچوقت مشخص نخواهد شد. بنا به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد، ترجمه‌های فعلی جانشین مناسبی برای این واژه نمی‌باشد.

۳- بررسی معنای «إِصْطَفَاء» در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم

با بررسی ده ترجمه^۱ مشخص شد که برای این واژه پانزده ترجمه‌ی مختلف آورده شده است. این ترجمه‌ها عبارتند از: برگزیدن، پاک‌گردانیدن، برتری‌بخشیدن، انتخاب‌کردن، فزونی‌بخشیدن، اختیارکردن، افتخاربخشیدن، اختصاص‌دادن، مخصوص‌گرداندن، ویژه‌ساختن، خاص‌کردن، ترجیح‌دادن، برگرفتن، عسل‌ناب و سزاوارتر. همچنین ترجمه‌ی مصطفوین به قرار زیر است: برگزیدگان، خوبان عالم (الهی قمشه‌ای)، نیکان برگزیده (خواجوی، رضایی) و مصفّی نیز با این عبارات ترجمه شده است: پاکیزه، تصفیه شده و صاف شده.

۱- این ترجمه‌ها عبارتند از: فولادوند، مجتبی، الهی قمشه‌ای، فارسی، معزّی، مکارم شیرازی، طالقانی، فیض‌الاسلام، خواجوی، رضایی و آیتی و ترجمه بر اساس المیزان.

در جدول زیر نمونه‌هایی از ترجمه‌ها آورده شده است.

ترجمه	مترجم	آیه
ما او را در دنیا برگزیده‌ایم و در آخرت از صاحبان جاه و منزلت نزد خداوند است	خواجوی	وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (البقره، ۱۳۰)
خدا برای شما آیین پاک برگزید، پس (پیروی کنید و) تا گاه جان سپردن آلا تسلیم رضای خدا نباشید	الهی قمشه‌ای	
و یقین او را در دنیا برگزیدیم و قطعاً او در آخرت، از شایستگان است.	رضایی	اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ (الحج، ۷۵)
برمی‌گزیند	فولادوند	
برگزیده	فولادوند	سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آلَلَّهُ خَيْرٌ (النمل، ۵۹)
از بندگان خود که انتخابشان کرده‌ایم به میراث دادیم،	ترجمه المیزان	ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا (الفاطر، ۳۲)
برگزیدیم	الهی قمشه‌ای	
برگزیده برتری داده اختیار کرده	فولادوند	اصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (الصافات، ۱۵۳)
آنها نزد ما از برگزیدگان و خوبان عالم بودند	الهی قمشه‌ای	إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿۴۷﴾ وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ (ص ۴۷)
ما قطعاً از نیکان برگزیده‌اند.	فارسی	
آنچه را می‌خواست برمی‌گزید	فولادوند	لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ (الزمر، ۴)
عسل خالص	ترجمه المیزان	مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَ لَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَ سَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعُوا أَمْعَاءَهُمْ (محمد، ۱۵)
انگبین پالوده	معزّی	
عسل و انگبین پاکیزه	فیض الاسلام	

۴- تنزیه معنای «إصطفاء» از ترجمه‌های یاد شده

با توجه به مطالب یاد شده اینک میزان کارایی آنها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. برای این کار از روش علامه طباطبائی در المیزان استفاده می‌شود. «تنزیه معنا» روشی است که علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان برای غربال آراء ناصواب و تعیین مسیر درست مراد آیه، به کار برده شده است.^۱ (عرب‌زاده، خدانشناس، ۱۳۸۹)

۴-۱- «إصطفاء» به معنای برگزیدن نیست

«إصطفاء» نمی‌تواند به معنای برگزیدن برای رسالت باشد؛ زیرا این مفهوم با واژه‌ی «بعث» در قرآن آمده است. به عبارت دیگر، استفاده‌ی هم‌زمان «بعث و إصطفاء» نشان می‌دهد که این دو واژه به یک معنا نیستند؛ «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنْتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره، ۲۴۷)

۴-۲- «إصطفاء» به معنای پاک کردن از آلودگی‌ها نیست

استفاده‌ی دو واژه‌ی «إصطفاء و طَهَّرَكِ» نشان می‌دهد که واضع متعال قصد انتقال دو مفهوم را دارد. طَهَّرَكِ به معنای پاک کردن از آلودگی‌هاست. که با معنای قاموسی آن نیز هم‌خوانی دارد. «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲)

۴-۳- «إصطفاء» در معنای خالص‌سازی نیست

علی‌رغم آنچه در برخی از ترجمه‌ها آمده است «إصطفاء» نمی‌تواند به معنای خالص‌سازی باشد، زیرا این مفهوم در قرآن با واژه‌ی «أَسْتَخْلِصُهُ» آمده است؛ «وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ» (یوسف، ۵۴)

از سوی دیگر، استعمال «إصطفاء» برای دین نیز نمی‌تواند به معنای خالص‌سازی باشد؛ زیرا خالص‌کردن زمانی معنا دارد که ناخالصی‌های یک شیء قابل توجه باشد. حال آنکه، مگر دین الهی ناخالصی داشته است - آن‌هم به قدر قابل توجه - که خداوند بخواهد آن را خالص نماید و سپس خالص‌شده‌ی آن را بر ابراهیم (ع) جاری نماید. بنابراین «إصطفی» به معنای خالص‌سازی نیست؛ «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (البقره، ۱۳۲)

۴-۴- «إصطفاء» در موضوع رسالت افراد نیست

متداول‌ترین معنا برای «إصطفاء» که در بیشتر ترجمه‌ها و تفاسیر آمده است، نسبت‌دادن این واژه به برخی از رسولان (ع) است. در حالی که کاربردهای دیگری از این واژه در مواردی غیر از «إصطفاء برای رسالت» نیز دیده می‌شود؛ «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (البقره، ۱۳۲)

از سوی دیگر، استعمال این واژه همیشه درباره‌ی افراد نیست. آیات زیر کاربرد إصطفاء برای دین را نشان می‌دهد؛ «... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره، ۲۴۷) و نیز؛ «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲) لذا، برگزیدن به رسالت نمی‌تواند معنای مناسبی برای آن باشد.

۱- در بخشی از این مقاله آمده است: "علامه با استفاده از ادله‌ی لفظی و معنوی، چند رأی تفسیری، روایی و لغوی را نادرست یا باطل اعلام نموده و در مواردی خواننده را به سمت رأی صحیح سوق می‌دهد. این ویژگی سبب شده تا در «تمیز معنا» در مسیر انحرافی وارد نشده و مسیر صعودی معنای آیه مشخص شود. او در بسیاری موارد احتیاط نموده و نظر قطعی را اعلام نمی‌نماید، بلکه فقط تلاش نموده تا از نزول سطح فهم مخاطب به معانی نادرست جلوگیری کند. این روش «تنزیه معنا» نام‌گذاری شده است." (عرب‌زاده، خدانشناس فیروزآبادی، بررسی روش علامه در تفسیرالمیزان با رویکرد تنزیه معنا و آثار آن در سوره نجم، ۱۳۸۹).

۴-۵- «إصطفاء» به معنای «برای خود پروردن» نیست

معنای «برای خود پروردن» هم معنای مناسبی برای واژه‌ی مد نظر نیست. زیرا این مفهوم در قرآن با واژه‌ی «إصْطَفَعْتُكَ» آمده است؛ «إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْسًا فَجِئْنَاكَ مِنَ الْعَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فَتُونًا فَلَيْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ.» (طه، ۴۰) و نیز؛ «وَ اصْطَفَعْتُكَ لِنَفْسِي» (طه، ۴۱)، یعنی: و تو را برای خود پرورددم.

۵- معنا مشترک «إصطفاء»

در این مرحله برای واژه معنایی مشترک تعریف می‌شود به گونه‌ای در همه‌ی کاربردها صدق نماید و متضمن شأن آن در نظام الهی باشد، حتی اگر به صورت یک عبارت تعریف شود. (خداشناس، ۱۳۷۸)^۱ از سوی دیگر، این معنا باید ویژگی‌های خاص این واژه را نیز در برگیرد، که در ذیل آمده است:

۱- واژه‌ی «إصطفاء» قطعاً پذیرنده‌ی مفهوم والایی است، زیرا به محمد مصطفی (ص)، والاترین بشر، اطلاق شده است. از این رو لازم است ترجمه‌ای شایسته و در خور شخصیت و مقام ایشان تعریف شود. در عین حال که، برای افراد دیگر، دین و غسل بهستی هم به کار رود.

۱- برای رسیدن به «معنای مشترک» در مورد واژه‌های قرآنی، بهتر است موارد زیر را لحاظ نمود: ۱- معنای پیشنهادی، متضمن شأن آن مفهوم در نظام خداوندی باشد. ۲- مرز آن با مفاهیم نزدیک به خود، قابل تشخیص باشد. ۳- تأثیر قبول یا عدم قبول آن مفهوم کاملاً مشخص باشد و ارتباط منطقی آن با مفاهیم همسایه واضح باشد. ۴- مفهوم پیشنهادی باید مبین و قابل تعقل باشد. ۵- با سنت‌ها و نظام الهی هماهنگ باشد. ۶- اقوام باشد. ۷- این هَذَا الْقُرْآنَ یَهْدِي لِئَلَىٰ هِيَ أَقْوَمُ. (الاسراء، ۹) ۷- عظیم و زیبا و دل‌نشین باشد. ۸- فطرت سلیم آن را درحالت بدیهیات بپذیرد. ۹- استدلال آن متقن باشد. ۱۰- در تمام مصادیق جواب دهد. ۱۱- ضایع برای آن یافت نشود. ۱۲- گره‌گشا باشد. ۱۳- با تأویلات و روایات اهل بیت (ع) هم‌خوانی داشته و یا لاقط در تعارض نباشد. ۱۴- معنای پیشنهادی پویا باشد. منظور آن‌که، معنا؛ حتی اگر نیاز باشد که در قالب یک جمله بیان شود، چون چشمه‌ای جوشان، افق‌های تازه‌تری از مفهوم را پیش رو بگشاید. نه این‌که خود راه، در انتها و بن بست بیاییم. (خداشناس فیروزآبادی، ندا، توسعه معنای کلمات در گذر زمان، صحیفه مبین، ۱۳۷۸).

۲- ترجمه باید به گونه‌ای باشد که مرزها و ارتباط‌های معنایی آن با واژه‌های نزدیک مانند «إجتباء» تبیین شود.

۳- فاعل «إصطفاء» همیشه «الله» است. از سوی دیگر، إصطفاء همیشه در موارد مثبت به کار رفته است، برخلاف برخی واژه‌ها که گاهی در موارد منفی استعمال شده است، مانند «وحی» که هم «وحی به رسول الله (ص)» در قرآن است هم «وحی شیاطین» به هم.

۱ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ (الاعراف، ۱۴۴) اصْطَفَى اللَّهُ

۴- مفهوم «إصطفاء» غالباً در دنیا مطرح می‌شود و تنها آیه‌ی (محمد، ۱۵) در مورد غسل مصفای بهستی استفاده شده است.

۵- «إصطفاء» نوعی برجسته‌نمودن شخص یا شیء در قبال دیگران است که با عبارات زیر همراه می‌شود: إصطفاء فی (إصطفاء شخصی در دنیا)^۲، إصطفاء لکم (إصطفاء چیزی برای دیگران)^۳، إصطفاء علی (إصطفاء شخصی بر دیگران)^۴، إصطفاء من (إصطفاء شخصی از بین دیگران)^۵، إصطفاء ب (چیزی را مخصوص دیگران کردن)^۶، أصفأ ب (چیزی را مخصوص دیگران کردن)^۷.

این عبارات نشان می‌دهد که، مفهوم «إصطفاء» به نوعی نقش واسطه و رابطه دارد، تا خداوند - که همواره فاعل اصطفاء است - به وسیله‌ی آن چیزی را به دیگران انتقال دهد.

۶- «إصطفاء» جایگاه مرتفعی در نظام الهی است که از آنجا شخص «مصطفی»

۱ - [البقره، ۱۳۲ و ۲۴۷] و [آل عمران، ۴۲ و ۴۳] و [حج، ۷۵]

۲ - [البقره، ۱۳۰].

۳ - [البقره، ۱۳۲].

۴ - [البقره، ۲۴۷] و [آل عمران، ۴۲] و [الاعراف، ۱۴۴] و [صافات، ۱۵۳].

۵ - [الحج، ۷۵] و [فاطر، ۳۲] و [الزمر، ۴].

۶ - [الاعراف، ۱۴۴].

۷ - [الاسراء، ۴۰] و [الزخرف، ۱۶].

واسطه‌ی رحمت بر دیگران می‌شود. به عنوان مثال آیه‌ی شریفه‌ی (البقره، ۱۲۴-۱۳۰) حاکی از إصطفاء ابراهیم(ع) به امامت است.

۷- «مصطفی» کسی است که خداوند او را همچون آسمان رفیع و زمین پهناور قرار داده است. مواردی که خداوند «إصطفاء» را به همراه «آسمان و زمین» آورده است، عبارتند از: (الاسراء، ۴۰ تا ۴۴)، (الحج، ۷۰-۷۵)، (النمل، ۵۹-۶۵)، (فاطر، ۲۷-۳۸)، (ص: ۲۷-۴۷)، (الزمر، ۴ و ۵)، (الزخرف، ۹-۱۶)

مواردی نیز وجود دارد که خداوند «إصطفاء» را با «غیب آسمان‌ها و زمین» مطرح نموده است: (النمل، ۵۹-۶۵)، (فاطر، ۳۲-۳۸)، (ص: ۲۷-۴۷)، (الزمر، ۴ و ۵)

۸- «مصطفی» چون آسمان پُر باران بر فراز دیگران است که به‌وسیله‌ی او، باغ‌های بهجت‌انگیز رویانده می‌شود. (النمل، ۵۹). مثل شخص «مصطفی» مانند «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» است. (النمل، ۶۰)^۱

۵-۱- بررسی انواع معانی برای «إصطفاء»

در جدول زیر گزینه‌های مختلف برای معنای «إصطفاء» و مشتقات آن مرتب شده است. دقت در این جدول میزان کارایی هر ترجمه و ترجمه‌ی پیشنهادی را برای این واژه به خوبی نشان می‌دهد.

برگزیدن	نیکان برگزیده	مخصوص خود کردن	ترجیح دادن برتری بخشیدن	تصفیه شده	زالا ترین و با کیفیت ترین را انتخاب کردن	خالص کردن و پاک از آلودگی	خالص بودن و موهبت های عظیم	واسطه‌ی رحمت برای دیگران	چیزی را برگزیدن و واسطه‌ی رحمت بر دیگران
+	+	+	-	+	+	+	+	+	+
+	+	+	+	-	+	+	+	+	+
+	+	+	+	-	+	+	+	+	+
+	+	+	+	-	+	+	+	+	+

۱ - أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ بَلَاءٌ لَهُمْ فَوْمٌ يَعْدِلُونَ. (النمل، ۶۰)

برگزیدن	نیکان برگزیده	مخصوص خود کردن	ترجیح دادن برتری بخشیدن	تصفیه شده	زالا ترین و با کیفیت ترین را انتخاب کردن	خالص کردن و پاک از آلودگی	خالص بودن و موهبت های عظیم	واسطه‌ی رحمت برای دیگران	چیزی را برگزیدن و واسطه‌ی رحمت بر دیگران
+	+	+	-	+	+	+	+	+	+
+	+	+	-	+	+	+	+	+	+
+	+	+	-	+	+	+	+	+	+
+	+	+	-	+	+	+	+	+	+

آیه	برگزیدن	نیکان	مخصوص خود کردن	ترجمه دادن برتری بخشیدن	تصفیه شده	زالال‌ترین و پاک از آلودگی	خالص کردن و پاک از آلودگی	خالص و کیفیت‌دادن	واسطه موهبت‌های عظیم	برگزیدن و واسطه‌ی رحمت بر دیگران
[النمل، ۵۹] قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى اَللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ.	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
[الفاطر، ۳۲] ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِيْنَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُادِنُ اللّٰهُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ.	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
[الصافات، ۱۵۳] اصْطَفٰى الْبَنَاتِ عَلٰى الْبَنِيْنَ.	+	-	+	+	-	-	-	-	-	-
[ص ۴۷] وَاِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفٰىنَ الْاٰخِيَارِ.	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
[الزمر، ۴] لَوْ اَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَّتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفٰى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحٰنَهُ هُوَ اللّٰهُ الْوٰحِدُ الْقَهَّارُ.	+	-	+	+	-	-	-	-	-	-
[الزخرف، ۱۶] اَمْ اَتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَاَصْفَاكُمْ بِالْبَنِيْنَ.	+	-	+	+	-	-	-	-	-	-
[محمّد، ۱۵] مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ فِيْهَا اَنْهَارٌ مِنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَاَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَّمْ يَتَّغَيَّرْ طَعْمُهُ وَاَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَّدَّةٍ لِلشَّارِبِيْنَ وَاَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَاَلَهُمْ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَاَنْهَارٌ مِنْ سُهَدٰى حَمِيْمًا قَقْطَعُ اَمْعَاءُهُمْ.	-	-	-	-	-	+	+	+	+	+
نتایج [در ۱۵ آیه]	۱۴	۵	۱۲	۱۳	۱۳	۴	۱۱	۸	۸	۱۱

به این ترتیب، «إصطفاء» به این معناست که خداوند شخص یا شیء را تا جایی خالص و زلال نماید، به طوری که، قابلیت این را پیدا می‌کند تا **واسطه‌ی موهبت‌های عظیم** قرار گیرد. این معنا در تمام کاربردهای پانزده گانه صدق می‌کند. این تعریف متضمن معنای **خالص کردن** و **برگزیدن** نیز می‌باشد. علاوه بر این، چشم‌اندازی نوین و در خور شأن آیه نیز هست. گویا این ترجمه ابتدای راه است چرا که، اولین سوالی که به ذهن متبادر می‌شود؛ این است که چه نوع موهبتی و به چه کسانی؟ و سوال دیگر اینکه ارتباط آن با واژه‌های مجاور چه گونه خواهد بود؟ سوالاتی که ما را به دریای عظیم این واژه رهنمون می‌سازد.

در ادامه برخی از آیات با ترجمه‌ی جدید به ترتیب شأن افراد و اشیاء تنظیم شده است:

۶- نگاهی مجدد به آیات «إصطفاء» با ترجمه‌ی پیشنهادی

۶-۱- افراد

اصطفاء برای برخی از افراد، دین، غسل بهشتی و ملائک در قرآن به کار برده شده است: «وَمَنْ يَّرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ اِبْرٰهِيْمَ اِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهٗ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَاِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ» (البقره، ۱۳۰)، یعنی: و چه کسی - جز آنکه به سبک‌مغزی گراید- از آیین ابراهیم روی برمی‌تابد؟ و ما او را در این دنیا **واسطه‌ی موهبت‌های عظیم قرار دادیم** و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. به‌همین ترتیب در آیات مبارکه‌ی (البقره، ۲۴۷)، (آل عمران، ۳۳ و ۴۲)، (الاعراف، ۱۴۴)، (الاسراء، ۴۰)، (الحج، ۷۵)، (النمل، ۵۹)، (فاطر، ۳۲)، (الصافات، ۱۵۳)، (ص: ۴۷)، (الزمر، ۴) و (الزخرف، ۱۶) این ترجمه صادق است.

۲-۶- اصطفاء دین

إِصْطَفَاءِ دین، که با عبارت «إِصْطَفَى لَكُمْ» آمده است: «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (البقره، ۱۳۲)، یعنی: و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند؛ [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند: «ای پسران من، خداوند برای شما این دین را عامل موهبت‌های عظیم قرار داده است؛ پس، البته نباید جز مسلمان بمیرید».

۳-۶- غسل مُصَفَّى در بهشت

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ» (محمد، ۱۵)، یعنی: مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته؛ و جویهایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نشود؛ و رودهایی از باده‌ای که برای نوشندگان لذتی است؛ و جویبارهایی از عسلی که انسان را به وجد آورده و عامل موهبت‌های عظیم می‌شود. و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست. [آیا چنین کسی در چنین باغی دل‌انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فرو پاشد؟

در این آیه «مُصَفًّى» نمی‌تواند به معنای «تصفیه‌شده و ناب» باشد. زیرا:

الف) اگر غسل‌های بهشتی را بخواهیم با صفت ناب و خالص مطرح کنیم، چندان چشمگیر نخواهد بود. چرا که در دنیا، غسل خالص و ناب به وفور یافت می‌شود. قاعدتاً، معنای «مُصَفًّى» غیر از این باید باشد.

ب) در این آیه خداوند سه نهر پیشین را با ویژگی‌هایی بی‌نظیر در دنیا توصیف می‌کند که مشابه ندارند. بنابر این، ترجمه‌ی این نهر غسل نیز باید به گونه‌ای باشد که مفهوم بی‌بدیل بودن را انتقال دهد، نه صرفاً «تصفیه‌شده و ناب».

ج) از سوی دیگر، سیاق آیه به گونه‌ای است که، کیفیت هر نهر نسبت به نهر قبلی إرتقاء یافته است. لذا، لازم است، نهر غسل پس از سه نهر قبلی، ویژگی‌هایی به مراتب عالی‌تر از سه نهر قبلی داشته باشد، نه اینکه چیزی مشابه دنیا از آن تصور نمائیم.

از آن‌چه بیان شد، می‌توان معنای پیشنهادی را برای عبارت «وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» چنین عنوان نمود: «جویبارهایی از عسلی که انسان را به وجد آورده و عامل موهبت‌های عظیم می‌شود».

۴-۶- إِصْطَفَاءِ مَلَائِك

«اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (الحج، ۷۵)، یعنی: خدا برخی از فرشتگان و انسان‌ها را به صورت رسول، واسطه‌ی موهبت‌های عظیم قرار می‌دهد. بی‌گمان خدا شنوای بیناست. آیات زیر به عنوان نمونه نشان داد که ترجمه‌ی پیشنهادی در همه‌ی آیات به خوبی صدق می‌نماید.

جدول ۳: درجات مُصْطَفَوِينَ از أَفْضَلِ به سوی أَسْفَلِ

گام بعدی، چینش آیات «إِصْطَفَاءِ» براساس شأن و منزلت است. برای یافتن درجات معنا ابتدا برای هریک از آیات لفظی «إِصْطَفَاءِ» را عنوان گذاری و سپس آیات را بر اساس «شمولیت و شأن» مرتب می‌نمائیم. جدول فوق درجات «اصطفاء» را از افضل به اسفل به‌خوبی نشان داده است.

به‌عنوان مثال، مرتبه‌ی إِصْطَفَاىِ مُحَمَّدِ مُصْطَفَى (ص) اهل بیت (ع) و پس از آن اولوالعزم من الرسل (ع) از سایر انبیاء بالاتر است، برای همین در صدر جدول قرار داده

شده است و بقیه‌ی آیات نیز به همین روش درجه گذاری و چیده شده است. این روش مانند این است که بخواهیم اعداد درهم از یک تا بیست را به ترتیب مرتب نمائیم و یا اسامی دانش‌آموزان یک کلاس را بر اساس سیر نزولی نمرات، بچینیم. منظر «درجاتی» به برخی واژه‌های قرآنی نوعی ارتقاء بخشیدن به مفهوم واژه است. ضمن اینکه در همان نگاه اول تفاوت کیفی کاربردها را میان آیات، به ذهن متبادر می‌سازد.

جدول ۳) درجات مصطفویین از اعلا به اسفل بر مبنای آیات و روایات

دامنه‌ی إصطفاء		برد إصطفاء	نوع موهبت	آیه
إصطفاء اولوالعزم من الرسول	إصطفاء عیسی ع	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۳۳] إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
	إصطفاء موسی ع به رسالات و کلام خداوند	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]	به رسالات و کلام خداوند	[اعراف ۱۴۴] قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بِلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ
إصطفاء برخی از خوبان برای رسالت	إصطفاء ابراهیم ع از بین اخیار دنیا]	إصطفاء فی [إصطفاء شخصی در دنیا]	استجابات دعاهای ابراهیم ع	[بقره ۱۲۰] وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
	إصطفاء نوح ع	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۳۳] إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
إصطفاء دیگر رسولان ع	إصطفاء آل ابراهیم ع از بین اخیار	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۳۳] إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
	إصطفاء آل ابراهیم ع از بین اخیار	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۳۳] إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

دامنه‌ی إصطفاء		برد إصطفاء	نوع موهبت	آیه
اسحاق ع	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[ص ۲۷] وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ
	یعقوب ع	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[ص ۲۷] وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ
إصطفاء لوط (ع) هنگام نزول عذاب				[نمل ۵۹] قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ آلَ اللَّهِ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ
یحیی ع	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۳۳] إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
آل لوط				[نمل ۵۹] قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ آلَ اللَّهِ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ
طلحات ع	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]	بعث به عنوان ملک	[بقره ۲۴۷] ص ۴۰ - وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ نَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
آل عمران	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۳۳] إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
إصطفاء دیگر خوبان در گذشته	۱- [إصطفاء بر تمام زنان عالم دیگران]	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۴۲] وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
إصطفاء برای [او]	۲- [إصطفاء در زمان خود دیگران]	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[آل عمران ۴۲] وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

توجه به دو نکته ضروری است: اینکه؛ منطقه‌ی طوسی رنگ محدوده‌ی معنایی است که تقریباً با معنای قاموسی واژه یکسان است و نکته دیگر اینکه، فهم درجات بالای معنا برای ما مقدور نیست. زیرا از شأن و کیفیت بسیار بالایی برخوردار هستند.

۷- مفهوم «إصطفاء»

خداوند برخی از افراد را گزینش می‌نماید و ظرف وجودی آنها را مناسب جاری شدن نعمات و موهبت‌ها می‌سازد و در ادامه‌ی این رشد، آنان را واسطه‌ی موهبت بر دیگران قرار می‌دهد. به بیان دیگر، ظرفیت وجودی‌شان را برای دریافت و عبور موهبتی عظیم، رشد می‌دهد. این تعریف، ترجمه‌هایی مانند؛ برگزیده شدن و خالص کردن را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.

«إصطفاء» یک مقام رفیع در نظام خداوندی است و به میزان رشد ظرفیت وجودی مصطفوین واسطه‌ی برخی موهبتها بر کل عالم و یا مجموعه‌ای کوچکتر می‌شوند، نعماتی که تا پیش از خلق انسان بر روی زمین سابقه نداشته است. «إصطفاء» گاه در دوره‌ی زمانی مشخصی است و یا اینکه بر جنس خاصی از اشیاء صورت می‌پذیرد، نه اینکه به گونه‌ای فراگیر در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و اشخاص اعمال شود. - به عنوان مثال آدم(ع)، نوح(ع)، آل ابراهیم و آل عمران هر یک در عصر خود

«مصطفای» بر اهل عالم بودند؛ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوْحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ.» (آل عمران، ۳۳) روایات مستفیضی ذیل همین آیه نقل شده است که نشان می‌دهد این آیه در شأن اهل بیت(ع) نازل شده است. (طباطبائی، ۱۷/۴) همچنین آمده است؛ منظور از آل ابراهیم، آل محمد(ص) هستند؛ «نَحْنُ آلُ إِبْرَاهِيمَ.» (سلیم، ۵۹۱) چنانچه در تفسیر آمده است که آن ذریه‌ای که ما إصطفایشان کردیم ذریه‌ی رسول خدا و اولاد فاطمه(س) هستند، که جزء آل ابراهیم و مشمول این آیه می‌باشند. همان‌طور که، از بین همه‌ی بندگان، آل ابراهیم را، مصطفی قرار دادیم. (طبرسی، ۴۰۸/۸؛ کاشانی، ۴۸۸/۷)

دامنه‌ی إصطفاء		نوع موهبت	آیه
إصطفاء عبادی که به آنها کتاب ارب داده شد	إصطفاء من [إصطفاء شخصی از بین دیگران]	وراثت کتاب	[۳۳] ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ
آیا خداوند پسرها را برای مردم اصطفاء کرده است	أصفاء ب [چیزی را مخصوص دیگران کردن]		[زخرف ۱۶] أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ
آیا خداوند دخترها را بر پسران إصطفاء کرده است	إصطفاء علی [إصطفاء شخصی بر دیگران]		[صافات ۱۵۳] اصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ
إصطفاء دروغین	إصطفاء من [إصطفاء شخصی از بین دیگران]		[زمر ۴] أَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
۲- إصطفاء دین [در دنیا]	إصطفاء لکم [إصطفاء چیزی برای دیگران]	دین	[۱۲۲] وَ وَصَىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
۳- غسل مُصْفَى [در بهشت]	عسل		[محمده ۱۵] مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَ لَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَ سَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَفَقَطَّ أَمْعَاءَهُمْ
۴- ملائک	إصطفاء من [إصطفاء شخصی از بین دیگران]	رسالت	[حج ۷۵] إِنَّ اللَّهَ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

آیات و روایات نشان می‌دهد که حضرت رسول (ص) در تمام زمان‌ها و مکان‌ها بر اهل عالم به عنوان «مصطفی» معرفی شده‌اند. چنان‌که، امیرالمؤمنین (ع)، رسول‌الله (ص) را «سیدالبشر» خواندند. (مشهدی، ۱/۱۶۴) امام باقر (ع) ایشان را «سید المرسلین» می‌دانند. (کلینی، ۴۳/۲۲۲) و امام حسن عسگری (ع) نیز ایشان را «سید الخلق اجمعین» خواندند. (طبرسی، ۱/۴۶۱)

جابر از قول امام باقر (ع) منظور از آیه‌ی (آل عمران، ۳۳) چنین نقل می‌کند: «فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ (ص)» (مجلسی، ۲۳۹/۵۲) همچنین روایت است: «وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (طوسی، ۶/۵۴). در تفسیر فرات کوفی آمده است که؛ «أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحُسَيْنَ وَ الْحُسَيْنِ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلِيَّ الْعَالَمِينَ.» (مجلسی، ۳۷ / ۶۳) روایاتی نیز از امام باقر و امام صادق (ع) ذیل آیه‌ی مبارکه‌ی فاطر ۳۲ وجود دارد که می‌فرمایند؛ "این آیه ویژه‌ی ماست و تنها «ما» مقصود از آیه هستیم." (طبرسی، ۸/۲۴۵؛ آلوسی، ۲۲/۲۸۹؛ قرشی، ۴/۱۳۸؛ طباطبائی، ۱۷/۴۵)

همچنین، حضرت زهرا (س) سیده‌ی زنان عالم در تمام دوران هستند. مفضل بن عمر به امام صادق (ع) عرض کرد؛ در مورد سخن رسول‌الله (ص) که فرمودند: فاطمه سید زنان جهانیان است توضیحی فرمائید که آیا فاطمه سیده‌ی زنان زمان خود بوده است؟ امام صادق (ع) فرمود: آن‌که سیده‌ی زنان زمان خود مریم (س) بود و فاطمه (س) سید زنان جهانیان است، از اولین و آخرین. (صدوق، ۱۰۷؛ طبری، ۵۴؛ مجلسی، ۲۶/۴۳)^۱

۱ - حضرت رسول‌الله فرمودند: همانا فاطمه (س) سیده‌ی زنان جهانیان است. عرض شد یا رسول‌الله آیا ایشان سیده‌ی زنان زمان خود است؟ فرمودند: آنکه سیده‌ی زنان زمان خود بود، مریم دختر عمران بود، اما دخترم فاطمه سیده‌ی زنان جهانیان از اولین و آخرین است؛ (امالی صدوق، ۴۸۶؛ مجلسی، ۲۴/۴۳)

- إصطفای موسی (ع) به رسالت، کلام و ایتاء الواح است که در آیات (الاعراف، ۱۴۴ و ۱۴۵) به آن اشاره شده است. تقریباً اکثر مفسرین به این درجه از «إصطفاء» اشاره کرده‌اند و «إصطفاء» را فرودگاهی برای رسالت پیامبران و برخی فرشتگان می‌دانند: "اصل یکم برای رسالت خداوندی إصطفاء است، پیامبران برگزیده حق از میان مردمندها و بالاترین و بهترین چهره‌های انسانی هستند که به مقام رسالت و نبوت رسیده‌اند، انسانی که قلبش از کدورت هرگونه طغیان و شرک منزّه است می‌تواند، به مقام رفیع رسالت و نبوت دست‌یابد و به آن مقام برگزیده شود و خداوندی که به چنین قلبی آگاه است می‌داند رسالت خود را در کدام پایگاه مستقر کند. «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتَهُ» انبیاء «مصطفی» هستند و صِفْوَه انسانها، زیرا تنها انسان مصطفی است و می‌تواند نبی یا رسول شود." (جوادی آملی، ۱/۱۲۱)

- بر حضرت نوح (ع) هم موهبت‌هایی جاری شد و ایشان نیز واسطه‌ی آنها بر عالم قرار گرفتند. خداوند برای اولین بار شریعت را از طریق حضرت نوح (ع) جاری فرمود.^۱ علامه می‌فرماید: "إصطفای آدم (ع)، بدین معناست که او را اولین مخلوق و پدیده از بشر قرارداده و در زمین جایش داد، و نوح (ع) اولین پیامبر از پنج پیغمبر اولوالعزم است که کتاب و شریعت برآنان نازل گردید." و نیز باب «بسم‌الله» را برای اولین بار بر زمینیان مفتوح نموده است. (آل عمران، ۳۳؛ طباطبائی، ۳/۱۷۷)

علامه طباطبائی می‌نویسند: «وَ قَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.» (هود، ۴۱) "نوح (ع) اولین انسانی است که حضرت حق، گفتن «بسم‌الله» را در قرآن کریم از او حکایت کرده است. لذا، او اولین کسی است که توسّل و تمسک به نام کریم «خدا» را فتح باب نموده است. چنان‌که او اولین کسی است که در باب توحید اقامه‌ی برهان و حجت نموده است و نیز آورده‌اند که: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ

۱ - برای اطلاع بیشتر نک: به «سیر رشد معنوی نوح (ع) در قرآن و روایات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، خداشناس فیروزآبادی، نداء، تهران مرکز، ۱۳۸۴.

مُرْسَاهَا» یعنی به نام خداست راندن و ایستادن این کشتی، اگر برود به نام او رود، و اگر بایستد به نام او ایستد و آن حضرت آن وقت که خواست کشتی برود، گفت: «بِسْمِ اللَّهِ» و چون خواست که کشتی بایستد، گفت: «بِسْمِ اللَّهِ» (طباطبائی، ۱۰/۲۳۵)

یکی از مفسران در این باره می‌نویسد: «نوح (ع) صَفْوَةَ اللَّهِ است. یعنی، در بین بنی آدم که از کرامت برخوردارند او صَفْوَةُ خالص، نخبه و برچین شده است. خود انسانها از دیگر موجودات جهان امکان، برجسته‌تر و از کرامت خاصی برخوردارند، ولی این گونه بزرگان در بین کاروان عظیم انسانیت از ویژگی نخبه و مصطفی بودن برخوردارند» (جوادی آملی، ۲۴۵/۶)

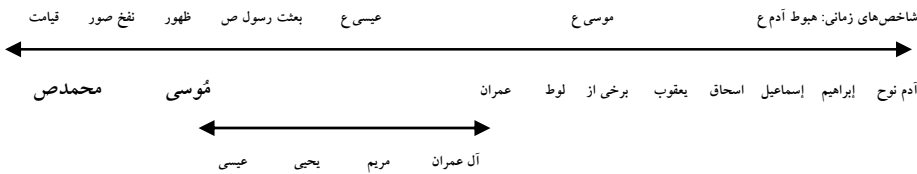
خداوند ظرف وجودی مریم (س) را مناسب تحمّل کلمه‌ای از جانب خویش قرار داد و یکی از کلمات خود را در هیأت انسانی به حضرت مریم (س) عطا نمود؛ «...إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...» (آل عمران، ۴۵) مفسرین در این باره می‌نویسند که؛ إِصْطَفَايَ مریم بر این معنا دلالت دارد که؛ خدای تعالی او را تظہیرش داده و آن جناب، هم مصطفی و هم معصوم هستند. (طباطبائی، ۲۳۶/۱۰؛ ذیل آل عمران، ۴۲)

گفتنی است، خداوند موهبتی را به واسطه‌ی مصطفوین بر زمینیان جاری می‌سازد، چنان‌که، آل لوط را به واسطه‌ی لوط (ع) از عذاب نجات بخشید و مشمول موهبت «سلام» قرار داد؛ «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَيَّ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا يُشْرِكُونَ.» (النمل، ۵۹) همچنین خداوند طالوت (ع) را مصطفی از بین مردم برای «اعطای ملک» خویش قرار داد. (البقره، ۲۴۷)

۸- سیر مصطفوین در طول زمان

توجه به سیر زمانی این واژه، بُعد دیگری از این واژه را نشان می‌دهد. محور زیر سیر «مصطفوین» را در طول زمان نشان می‌دهد. قسمت بالای محور، شاخص‌های زمانی از هبوط آدم تا حضور انبیاء و بعث رسول اکرم (ص) شروع شده و با مقاطع

زمانی، نفخ صور و قیامت ادامه یافته است. در پائین محور نیز اسامی مصطفوین از میان انبیاء و اوصیاء (ع) به ترتیب زمان نشان داده شده است:



محققان در این باره از اتفاق نظر برخوردارند که؛ «قرآن کریم برخی از حلقه‌ها و سلسله‌های اصفیاء را نام برده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ.» (آل عمران، ۳۳؛ جوادی آملی، ۶)

این محور نشان می‌دهد که رسولان (ع) به تبع مصطفی شدن مجرای رسالت‌ها، شریعت‌ها، هدایت‌ها، شناخت‌های صحیح، معجزات، کمالات و دیگر موهبت‌هایی در طول زمان شدند. به بیان دیگر مصطفوین در تاریخ بشریت چنان تاثیرگذار بودند، که اگر وجود نداشتند، باب این نعمات برای انسان همواره بسته می‌ماند.

۹- مقایسه‌ی «إِجْتِبَاء» با «إِصْطَفَاء»

واژه‌ی «إِجْتِبَاء» یازده بار در قرآن به‌کار رفته است. دو واژه‌ی «إِجْتِبَاء» و «إِصْطَفَاء» عموماً در معنای «برگزیدن» ترجمه شده‌اند، درحالی‌که، می‌دانیم نمی‌توان واژه‌ها را با معنای واژه‌های مشابه حمل کرد و این دو واژه را معادل هم ترجمه نمود. در تنزیه معنا نشان داده شد که، معانی فعلی، جانشین مناسبی برای این دو واژه نیستند. «إِجْتِبَاء» و «إِصْطَفَاء» یک مفهوم هستند. مفهومی که می‌بایست از میان کاربردها و استعمالات واژه در قرآن به معنای آن دست یافت و اکتفا به معنای قاموسی کافی به نظر نمی‌رسد. لذا، ضرورت دارد، مرزهای ظریف میان این دو لفظ تبیین گردد.

معنای واسطه‌ی موهبت قرار گرفتن برای «إصطفاء» و معنای راه‌های خوبی برای کسی یا چیزی باز نمودن^۱ برای واژه‌ی «إجتباء» در همه‌ی استعمال‌های لفظی، صدق می‌کند. در حالی که، معانی دیگر چنین نیستند. به طور خلاصه داستان آدم(ع) با توجه به دو ترجمه‌ی جدید، چنین خواهد بود؛

آدم(ع) مورد إغوای شیطان قرار گرفت و به تبع عملش هبوط داده شد. حکم بر این بود که، مانند دیگران يُضَلُّ و یَشْقَى شود، (طه، ۱۲۳) اما، اراده‌ی خدا بر إجتباء آدم(ع) قرار گرفت و راهی به سوی خیر و صعود در درجات فضل به روی آدم(ع) گشوده شد. مسیر إجتباء آدم(ع) از جایی بود که فرمود: «فَلْتَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (البقره، ۳۷). بدین سان خداوند او را به کلماتی منسوب به اهل بیت(ع) القاء می‌نماید. در روایات آمده است: «إِنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا تَبَتَ عَلِيٌّ، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ.» (بحرانی، ۱ / ۳۱۸؛ همو، ۲ / ۳۹۳؛ العیاشی، ۱ / ۴۲؛ فرات الکوفی، ۵۸؛ صدوق، ۱۲۵؛ همو، ۱ / ۳۰۴؛ مجلسی، ۲۶ / ۳۳۳؛ حسینی استرآبادی، ۵۰؛ امام حسن عسگری(ع)، ۲۲۶) و نیز آمده است: «و نَبِيٌّ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ.» (مجلسی، ۲۵ / ۴ و ۲۷ / ۳۹)

خداوند متعال در ظرف وجود آدم(ع) با القاء کلمات مسیری را برای آدم(ع) باز می‌نماید و با این عمل او را به پلکان هدایت رساند. شاید بتوان ادامه‌ی رشد انبیاء را در درجات «فضل» در مقام «إصطفاء» دنبال نمود. به بیان دیگر، خداوند برخی از ملائکه و انسان‌ها را مقام رفیعی بخشیده و سپس از آنجا؛ واسطه‌ی موهبتی عظیم بر همه‌ی اهل عالم قرار می‌دهد.

برخی از پیامبران مشمول «إجتباء»^۱ و برخی دیگر مشمول «إصطفاء» شدند و برخی شامل هر دو. به عنوان مثال «إجتباء» و «إصطفاء» سلیمان(ع) و ایوب(ع) در سوره (ص) به خوبی توصیف شده است. به این صورت که، ابتدا مخصه‌ای که بدان مبتلا شدند، نشان داده شده و سپس خداوند آنها از جزو «مصطفوین» قرار داده است. (ص: ۴۷-۲۷)

قابل ذکر است، اگر فهرست اسامی انبیائی را که در قرآن به عنوان مجتبیوین ذکر شده‌اند را از تبار آل ابراهیم و آل عمران در نظر بگیریم، مشخص می‌شود که تقریباً نود درصد مجتبیوین، مصطفی هم شده‌اند.

«إجتباء» و «إصطفاء» علاوه بر تفاوت‌های مفهومی تفاوت‌های دیگری نیز در کاربرد دارند. از جمله اینکه؛

۱. «إصطفاء» یک شخص - یا یک شیء- در قبال دیگران است، اما «إجتباء» چنین نیست.

۲. «إجتباء» فقط بر انسان‌ها واقع می‌شود، اما «إصطفاء» به چهار مورد اطلاق شده است؛ برخی از انسانها، برخی از ملائک، دین و غسل.

۳. «إجتباء» مفهومی صعودی و مانند هواپیما به سوی بالاست. اما، «إصطفاء» در مسیر به سوی عمق مانند فرودگاه است.

۴. «إجتباء» یعنی راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی شخصی باز نمودن و به سوی بالا رشد دادن است، درحالی که، «إصطفاء» یعنی قابلیت وجودی را مناسب جریان موهبت خاص بر اشیاء یا اشخاص دیگر قرار دادن است.

۱ - الانعام، (۸۷-۸۳)، مریم، (۵۸-۴۱)، القلم، (۵۰-۴۸).

۱ - نگاه کنید به بررسی معنای إجتباء در قرآن، عرب زاده، الهه، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۱۳۸۹.

۱۰- نتایج مقاله

در تنزیه معنای «إصطفاء» نشان داده شد که ترجمه‌های فعلی جانشین مناسبی برای این واژه نیستند. «إصطفاء» به این معناست که؛ خداوند خالص‌ترین و با کیفیت‌ترین شخص یا شیء را «*واسطه‌ی موهبت‌های عظیم*» قرار می‌دهد. برخی از پیامبران برخوردار از «إجتباء» و برخی دیگر مشمول «إصطفاء» و برخی شامل هردو شدند. رسولان(ع) به تبع مصطفی شدن، مجرای رسالت‌ها، شریعت‌ها، هدایت‌ها، شناخت‌های صحیح، معجزات، کمالات و دیگر موهبت‌ها در طول زمان قرار گرفتند. به بیان دیگر، «مصطفوین» در تاریخ بشریت چنان تاثیرگذار بودند، که اگر وجود نداشتند، باب این نعمات همواره بر انسان بسته می‌ماند و بشریت دچار خلاء جدی می‌شد. اهل بیت(ع) و سپس اولوالعزم من الرسل(ع) صدرنشین «مصطفوین» هستند و دیگر انبیاء(ع) به ترتیب، در درجات پائین‌تر قرار می‌گیرند. «إجتباء» یعنی راه‌های خوبی برای رشد و ترقی بازنمودن و «إصطفاء» یعنی مجرای موهبتی خاص قرار دادن.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه آیتی، خواجه‌ی، رضایی و همکاران، طالقانی، فارسی، فولادوند، فیض الاسلام، مجتبی‌ی، معزی، مکارم شیرازی و الهی قمشه‌ای.
۲. تفسیر منسوب به امام‌حسن عسگری(ع) قم مؤسسه امام‌المهدی، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۷م.
۴. بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، البعثة، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۵. بنت الشاطی، عایشه، *الاعجاز البیانی للقرآن*، ترجمه حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۶. جعفری، یعقوب، *دشواری ترجمه کلمات مترادف در قرآن*، نشریه سراج.
۷. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسوه، قم، ۱۳۸۱ ش.
۸. حسینی استرآبادی، علی، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، مصحح: استاد ولی، حسین، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۹. خداشناس فیروزآبادی، ندا، *توسعه معنای کلمات در گذر زمان*، صحیفه مبین مرکز پژوهشگاه و فعالیت قرآن و عترت، تهران ۱۳۸۵ش.
۱۰. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، مفردات، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۲۲ق.
۱۱. الزبیدی، تاج العروس، منشورات دار المکتبة الحیة، بیروت، بی‌تا.
۱۲. سلطانی ولاشجردی، هنگامه، *بررسی مفهوم و ملاک‌های اصطفاء در قرآن*، کارشناسی ارشد، الهیات، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۳. شکوری، ابوالفضل، *تفسیر واژه‌های قرآن*، مجله نامه مفید، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴ش.
۱۴. صدوق محمد بن علی، *الأمالی*، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. الطبرسی، فضل بن الحسن، *مجمع البیان*، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
۱۷. طبرسی، ابومنصور، *الاحتجاج*، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. طبری، ابن جریر بن رستم، *دلائل الامامه*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات - بیروت ۱۴۰۸ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام*، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. عرب زاده، الهه، *بررسی معنای إجتباء در قرآن*، ۱۳۸۹ش.
۲۱. عرب زاده، الهه، *خداشناس فیروزآبادی*، ندا، *روش‌شناسی تفسیر المیزان با رویکرد «تنزیه معنا» و آثار آن در سوره نجم*، پژوهش نامه قرآن و حدیث، انجمن علوم قرآن و حدیث، تهران ۱۳۸۹ ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، بیروت، مؤسسه اعلمی اول، ۱۴۱۱ ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.

۲۴. فؤاد عبد الباقي، محمد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، بیدار فر، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. قرشی سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۲۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. مجموعه مقالات، *شناخت‌نامه علامه طباطبائی*، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی، قم، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. مشهدی، محمد، *کنز اللقائق و بحر الغرائب*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. نگاهی به مبانی فهم مفردات قرآن و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی، *قرآن‌شناخت*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شماره ۳.
۳۱. واعظزاده خراسانی، محمد، *المعجم فی فقه اللغة القرآن و سر بلاغته*، مؤسسه الطبع و النشر التابعة للاستانة الرضویة المقدسة، ۱۴۲۵ ق.
۳۲. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، الهادی، ایران، ۱۴۰۵ ق.